

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال هفتم شماره ی بیست و دوم بهار ۱۳۹۴ (صص ۹۲-۶۹)

نقد و بررسی دیدگاه سید احمد خان هندی در مورد معجزه

دکتر مهرناز گلی *

چکیده

سیداحمدخان هندی از علمای قرن بیستم شبه قاره هند و یکی از رهبران تاثیرگذار هندوستان در تحولات سیاسی و منطقه ای هند در زمان استعمار انگلیس بود. ایشان در برخی مباحث دینی نظریاتی متفاوت از دیگر علمای اسلام ارائه داده اند از جمله: مباحثی در رابطه با ملک، جن، بهشت، دوزخ و معجزه. که بیان و نقد نظریات ایشان ضرورت پرداختن به این موضوع را چند برابر می کند چرا که با بیان نظریات متفاوت مفسرین و تحلیل بررسی جداگانه ی هر کدام می توان هر چه بهتر و بیشتر به دیدگاه واقعی و درست پی برد. هدف از این نوشته، بیان، دسته بندی، نقد و آسیب شناسی اندیشه ی سیداحمدخان درباره ی معجزه است که به روش توصیفی - تحلیلی با رویکردی قرآنی ارائه می شود و در آخر نتیجه می گیرد که سید، معجزه را به دلیل تخطی اش با قوانین طبیعت، منکر بوده و آن را به عنوان دلیلی بر نبوت و رسالت پیامبران نمی پذیرد.

واژگان کلیدی: معجزه - سیداحمدخان - شبه قاره هند

مقدمه

خداوند متعال جهت نیل انسانیت به سعادت، هدایت و رستگاری و دوری از انحرافات

*Email:lgoli_m@theo.usb.ac.ir

استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲

سلسله ی انبیاء (ع) را مبعوث نمود و از آن جایی که مخاطب این پیامبران تمام سطوح جامعه اعم از عموم مردم و نخبگان و بزرگان جامعه بودند، پیامبران نیز باید در سطحی فراتر از همه قرار می داشتند، در واقع برگزیدگانی که در تمام ابعاد زندگی سرآمد بوده پاسخگوی جامعه و متناسب با مخاطبان باشند اما به رغم وجود تمام این ارزش ها هیچگاه پیامبران در ابتدا مورد استقبال قرار نگرفتند و با مخالفت هایی مختلف موانعی بر سر راه یافتند و پس از تلاش های بی وقفه با مطالباتی مواجه شدند که باید برای درستی ادعای خود پاسخگوی آن می بودند. از این رو خداوند متعال پیامبران را نشانه هایی بخشید که خارق العاده و به نوعی فراتر از قوانین معهود دنیا و طبیعت رایج جامعه بودند. این نشانه ها در واقع تصدیق کننده های بی مانندی بودند که موافقان و مخالفان دعوت پیامبران را به تسلیم و اعتراف واداشتند مگر آنانی که مغرضانه جبهه می گرفتند و از باب عناد وارد می شدند. این اعمال خارق العاده پس از قرن دوم و تدوین علم کلام به معجزه تعبیر شدند و مورد بحث قرار گرفتند. اما در مورد دیدگاه ها و اعتقادات سید احمد خان به عنوان یکی از مفسرین شبه قاره ی هند می توان گفت: به طور کلی در شبه قاره هند برای راهنمایی افکار دو نوع رهبری حکومت می کرد، یکی از آن ها رهبری دینی زعما و علمای دینی بود، و دیگری به رهبری سیرسیداحمدخان براساس تقلید از تمدن غرب، اقتباس علوم جدید با تمام لوازم آن و تفسیر اسلام و قرآن با آن چه معلومات ناقص قرن نوزده مسیحی آن را تایید می کرد، و بالأخره مطابق دلخواه و نظریه غربیان و پشت سر گذاشتن آن چه با حس و تجربه ثابت نشده و انکار کردن حقائق و امور ماوراء طبیعی، استوار بوده است. سیرسیداحمدخان هندی از علمای هند یکی از مفسران مادی گرای مسلمان صاحب «تفسیرالقرآن و هوالهدی و الفرقان» است. وی در تفسیر خود تلاش کرده است، دیدگاه های خود را پیرامون آیات اعجاز بر پایه علوم تجربی و مادی بنا نهد. از این رو نظرات او در هندوستان سر و صدای

فراوانی به راه انداخت و سبب شد که علمای اسلامی هند او را طرد کنند و حتی رنگ سیاسی به کار او بدهند زیرا او از نظر سیاست هندوستان، طرفدار همزیستی و سازش با انگستان بود و بعضی او را متهم به خیانت می‌کردند. به خصوص سیدجمال الدین اسدآبادی در صدر منتقدین او قرار گرفت و رساله‌ها در رد او نوشت که می‌توان گفت رساله نیچریه سیدجمال الدین از بی نظیرترین آثار در رد مادی‌گرایی به شمار می‌رود (بزرگزاده، ۱۳۹۰: ۳۸). و برای نخستین بار، پرچم تجدیدگرایی و نوسازی افراطی در دین و شریعت را در هند برافراشت. وی این‌ها را سر داد که باید تحوّل همه جانبه در علم و دانش سنتی اسلامی صورت گیرد، به شکلی که با دستاوردها و رهیافت‌های نوین دانش غربی سازگار باشد و در یک فرآیند معین، به آشتی بین علم جدید و شریعت بینجامد (بزرگزاده، ۱۳۹۰: ۳۸). خود باختگی در برابر علوم طبیعی سر به بی اعتباری ارزش‌های روحی و ایده‌آلیستی که همه ادیان سماوی از جمله اسلام بر اساس آن پایه‌ریزی شده‌اند خواهد زد، در نتیجه به انکار هر چیزی که در طبیعت دیده نشود و یا با حس انسان لمس نشود خواهد انجامید (الهی، ۱۴۱۹، ۱۵).

بیان مسأله

یکی از مفاهیم اساسی که از طرف سیداحمدخان، جنبه‌ی تجربی به خود گرفت، معجزه است. او معجزه را منکر شد و در عین حال کوشش کرد تا نشان دهد بر همان باوری است که عموم مسلمانان درست‌اندیش، بر آنند. در مقاله حاضر نویسنده می‌کوشد تا دیدگاه ایشان را به درستی بیان نموده، آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی این اندیشه را تبیین نماید، مبنی بر این که سید بنا بر چه دلایلی معجزه را قبول ندارد؟ که به نظر می‌رسد دیدگاه وی در مورد انکار معجزه بر گرفته از نظریه‌ی خداشناسی است که در سخنان وی مشاهده می‌شود.

هدف اصلی و فرعی تحقیق

در بیان هدف نوشته‌ی حاضر می‌توان گفت: از آن جایی که در طول تاریخ افراد مختلفی با مطالعه‌ی قرآن و تفاسیر گوناگون آرا و نظریات متفاوتی را مطرح نموده‌اند، لذا نگارنده برآنست تا دیدگاه سید احمد خان را به عنوان یکی از مفسرین مطرح نموده و آسیب‌های مطرح شده در آن را تا حد توان به چالش و نقد بکشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و رویکرد قرآنی، روایی نگاشته شده است

پیشینه‌ی بحث

تا جایی که نگارنده بررسی نموده، تاکنون کتاب و مقاله‌ای که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد فقط در خلال برخی کتب و مقاله‌ها به طور پراکنده و جزئی به این مبحث اشاره شده است (غزالی، بی تا، ۳۳۵، مطهری، بی تا، ۵۶، کاظمی، سال هفتم: ش ۲۶: صص ۱۴۰-۱۳۶، مطهری، ۱۴۲۰، ۴۳۲). و در جایی دیگر، از او به عنوان قرآن‌گرای افراطی یاد شده که سعی داشت همه چیز را از طریق قرآن استنباط نماید (اسعدی، ۱۳۸۹: ۳۷۴-۳۷۳).

۱. مفهوم شناسی / ۱-۱. معجزه:

معجزه در لغت به فتح جیم و کسر آن وارد شده است بر وزن مُفَعَلَه و مُفَعِلَه اسم فاعل از فعل أَعْجَزَ و همزه برای تعدیه و هاء برای مبالغه است مانند علامه، و معجزه برگرفته از عجزی است که نقیض قدرت است. (ابن منظور، ۱۴۱۵، ۵۷۰؛ بستانی، ۱۳۷۵، ۴: ۲۴) بنابر دیدگاه برخی لغت‌نویسان "عجز" دارای دو اصل است: یکی ضعف و ناتوانی و دیگری انتهای یک چیز (مصطفوی، ۱۴۲۶، ۸: ۳۷، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۵۴۷). و در اصطلاح به امری گفته می‌شود که خارق العاده و به همراه تحدی و مبارزه طلبی باشد و از جانب کسی دیگر معارض نداشته باشد و این امر خارق العاده را خداوند به دست پیامبرانش ظاهر

می کند (چرجانی، ۱۴۲۸، ۱۹۸؛ شهرستانی، بی تا، ۴۱۷، میدانی، ۱۴۳۰، ۳۰۰؛ النخن، دیب مستو، ۱۴۲۷، ۲۹۷؛ عبدالمنعم، ۱۴۳۱: ۱۷۸؛ معرفت، ۱۳۸۵، ۲: ۲۳). پس معجزه متعلق به امور مستحیلات عقلی نیست که مثلاً اجتماع نقیضین صورت بگیرد یا امری در این حیظه، بلکه معجزات متعلق به اموری هستند که عقلاً ممکن هستند اما عادت معمول برخلاف آن در جریان است و معجزه خلاف آن عادت ظهور پیدا می کند و خرق عادت صورتی می گیرد. یک امر خارق العاده در صورتی معجزه است که دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- معجزه باید امری خلاف قوانین طبیعی و خارق العاده باشد.
- ۲- معجزه باید به گونه ای باشد که پیامبر تمام کسانی را که شامل دعوت او می شوند به مبارزه بطلبد و تحدی صورت گیرد و اگر امر خارق العاده به دست کسی که مدعی نبوت نیست صورت پذیرد، در این صورت معجزه به شمار نمی رود و می تواند کرامت باشد.
- ۳- تمام امت و انسان ها از معارضه با معجزه ای که پیامبر آورده است و آوردن مثل آن عاجز باشند.
- ۴- معجزه باید مقرون به ادعای رسالت و نبوت از طرف پیامبر باشد.
- ۵- معجزه باید موافق ادعایی که مطرح می شود باشد و اگر مخالف باشد نمی توان گفت معجزه است مثلاً: مدعی نبوت بگوید: دلیل راستگویی من شکافتن دریاست سپس کوه شکافته شود که در این صورت خلاف ادعایی که داشته ثابت شده است.
- ۶- معجزه تکذیب کننده ی شخص مدعی نباشد مثلاً بگوید: نشانه ی پیامبری من سخن گفتن این سنگ است و سپس سنگ سخن نگوید این مدعی دروغین است (النخن، دیب مستو، ۱۴۲۷، ۳۲۴؛ صلابی، ۱۴۳۲، ۲۳۳).

۲. دیدگاه ها/۲-۱. منکرین

گروهی جانب قانون علیت را گرفتند و از توجیه معجزات عاجز ماندند و منکر آن شدند

مانند ابوبکر رازی، ابن راوندی و برخی از معتزله و معمر بن عباد و پیروانش، سید احمد خان هندی آخوند زاده (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

۲-۲. موافقین

عده ای جانب وقوع معجزات را گرفتند و به قوانین ساخته و پرداخته عقل انسانی اعتنایی نکردند. اهل حدیث و اشاعره به انگیزه جانب‌داری از توحید افعالی خداوند، منکر هرگونه تأثیر گذاری، سببیت و اسناد کار و تحولی به غیر خدا هستند و در نتیجه علیّت و نظام اسباب را انکار می‌کنند و اثرگذاری موجودات پیرامون خود را که با چشم دل و جان مشاهده می‌کنند، مانند سوزاندن آتش و نور افشانی خورشید و... را «عادت خداوند» می‌نامند. (ایجی، بی تا: ۳۴۱، تستری، بی تا: ۱: ۲۸۱، غزالی، بی تا، ۱۶۹ - ۱۷۰). بنابراین، خرق عادت از نگاه اینان صرفاً به این معناست که خداوند گاهی بر خلاف عادت مألوف خود عمل می‌کند. این ها قانون‌هایی است که خدا خودش وضع کرده. از نظر ما کاری برخلاف آن ناممکن است، ولی از نظر خدا قانون بودن این قانون بستگی به مشیت و اراده او دارد. همان لحظه‌ای که خداوند بخواهد این جور نباشد، این جور نیست، معجزه نیز کار خداست (مطهری، ۱۴۲۰: ۴۳۴).

۲-۳. اعتدال

گروه دیگر با پذیرش اصل علیّت و وقوع معجزات، به توجیه سازگاری این دو مبحث پرداخته‌اند. این ایده عموماً میان امامیه و معتزله طرفدارانی دارد (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۱۲). حکیمان مسلمان به وجود رابطه علی و معلولی میان حوادثی که رخ می‌دهند، قائلند، ولی با وجود این معتقدند که در معجزه، قانون علیّت، سنخیت علت و معلول، نظم طولی و سلسله مراتبی عالم نقض نمی‌شوند (ابن سینا، ۱۴۰۳، ۳: ۴۱۸-۳۹۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱: ۶۰). سید مرتضی (م ۴۳۶ ه) در تعریف معجزه به اوصافی اشاره می‌کند که عبارتند از: خارق عادت بودن، مطابق دعوی نبوت بودن، متعذر بودن برای مردم، فعل خدا بودن، و در این صورت معجزه دلالت بر صدق نبی می‌کند سید مرتضی، بی تا، ۱۳). شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) می‌گوید: معجزه عبارت است از آن چه دلالت بر صدق کسی کند که آن را انجام می‌دهد و فقط اختصاص به او داشته باشد و منظور از معجزه معنی لغوی آن یعنی عاجز کننده نیست.

وی اوصاف و شرایط معجزه را عبارت می‌داند از: فعل خدا بودن، ناقص عادت بودن، تعذر انجام آن برای مردم، اختصاص داشتن به مدعی نبوت برای اثبات صدق او، خواهی نصیر الدین طوسی معجزه را عبارت می‌دارند از ثابت کردن آن چه بر خلاف عادت است همراه با خرق عادت و مطابقت با دعوی نبی (ر.ک. طوسی، ۱۳۷۰، ۳۱۵-۱۸۴). علامه حلی (م ۷۲۶ ه) می‌گوید: معجزه امر خارق عادت است که همراه با تحدی می‌باشد و شرط آن این است که فعل خدا باشد و مقصود از معجزه تصدیق نبی است (همان، ۱۸۴).

۳. دیدگاه سید احمد خان در مورد معجزه

۳-۱. معجزه و خرق طبیعت:

به عقیده ی سید احمد خان اگر معجزات طبق قانون طبیعت باشند، معجزه نخواهند بود چون کسی که این قانون را بتواند به کار ببندد می‌تواند این معجزه را انجام دهد، بنابراین معجزه خرق عادت نخواهد بود و اگر طبق قانون طبیعت نباشد، خلاف طبیعت است و طبیعت هم از سنن الهی است و مخالفت با سنن الهی امکان پذیر نیست (سید احمد خان، ۱۳۳۲: ۳: ۲۶). سید احمد خان در موافقت با نظریه خداشناسی خود که دین را وجهی از طبیعت می‌داند، خدا را به چشم صانع طبیعت و علت اولی می‌نگریست، به عقیده او نسبت خدا با عالم همانند نسبت ساعت ساز است با ساعت. همچنانکه صنعتگر ضامن ساخت ماشین و همبستگی اجزاء آن و کارکرد تام و تمام آن است، خدای صانع عالم نیز همچنان است، اوست که قوانینی به آن می‌دهد که بر طبق آن به کارکردن ادامه می‌دهد چون خدا تغیرناپذیر است، قوانینی هم که در عالم حاکم است تغیرناپذیر است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح/۲۴)، همچنان که جهان مادی طبق قوانین لایتغیری کار می‌کند همچنان نیز در ساحت معنوی قانون مطلق از درست و غلط هست که هیچ استثنایی در آن راه ندارد. رنج‌ها و شادی‌ها منطقی‌تاً تابع نوع اعمالی است که به دست انسان‌ها صورت می‌گیرد و در هیچ یک از ساحت مادی و معنوی نیازی به

دخالته الهی نیست. در نتیجه ی همین نظریه خدا شناختی (deistic) اصالت طبیعت به عنوان صنع خدا و رابطه خدا با عالم بود که سیداحمدخان امکان پذیری معجزه و مؤثر بودن دعا را انکار می کرد. او نمی توانست معجزه را که تخطی از قوانین طبیعت است بپذیرد، زیرا به عقیده او طبیعت وعده عملی خداوند است به این که فلان چیز، چنین واقع خواهد شد. و اگر ما بگوییم که آن چیز ممکن است برخلاف وعده الهی واقع شود به منزله آن است که او را متهم کنیم که برخلاف وعده خود عمل می کند و این غیر قابل تصور است (شریف، ۱۳۷۰: ۲۰۷). سیداحمدخان در ادامه سخن خود می گوید: من امکان پذیر بودن معجزه را به این دلیل انکار نمی کنم که برخلاف عقل است، بلکه به این دلیل آن را انکار می کنم که قرآن وقوع حوادث و اتفاقاتی را که برخلاف قوانین طبیعت اند و جریان معهود امور را نقض می کنند، تأیید نمی کند. او برای اثبات صحت مدعای خود کوشش می کرد که این معجزات را با توسل به قوانین طبیعی تبیین کند، کوششی که شاید یگانه علت این معنی بود که چرا تفسیر او در میان مسلمانان شهرت و اعتبار شایسته ای به دست نیاورد (سید احمد خان، ۱۳۳۲: ۳: ۲۶). به نظر می رسد، از نظر سید قران بر اساس اصول فطرت به قانون طبیعت پایبند است و چیزی بر خلاف قوانین طبیعی یا فطری بیان نمی کند. از این رو او معجزه را منکرشد.

۲-۳. معجزه و ادعای نبوت

سید احمد خان معجزه را به عنوان دلیلی بر صدق نبوت انبیاء، منکر شده و دلایلی به شرح زیر برای اثبات مدعای خویش می آورد:

الف) معجزه نمی تواند دلیل بر نبوت باشد چرا که معجزه از دو حالت خارج نیست یعنی یا باید دلائل عقلی داشته باشیم یا نقلی، وجود دلیل شرعی امکان پذیر نیست چون تا هنگامی که رسالت پیامبر(ص) ثابت نشود آن دلیل هم معنا ندارد و از لحاظ عقل نیز امکان ندارد که

گفته شود این نشانه‌ها به پیامبران اختصاص دارد مگر این که بپذیریم معجزات امکان پذیر است و اموری که از پیامبر(ص) سرزده طبق قانون طبیعی نبوده است (سید احمد خان، ۱۳۳۲: ۱: ۱۹۳).

(ب) بین معجزه و ادعای نبوت ارتباطی وجود ندارد.

(ج) این حرف (کسی که ادعای کذب نبوت را داشته باشد و بخواهد معجزه نشان دهد، نخواهد توانست) بی منطق و بی دلیل است.

(د) از پیامبر هیچ معجزه‌ای ظاهر نگردیده و دلیل آن وجود آیات قرآنی می باشد. (قالو لن تؤمنن لک حتی.. (همان: ۱/۱۹۷)

(ه) مشرکین عرب از پیامبر(ص) معجزه خواستند ولی پیامبر از آوردن آن سرباز زدند، از این رو معلوم می شود معجزه محال است و گرنه پیامبر(ص) به خواسته‌ی آنان پاسخ منفی نمی دادند، چرا که اعتقاد به معجزات و کرامات پیامبران و بزرگان، ایمان به توحید و صفات را ناقص و نامکمل می کند چون این اعتقاد انسان را به سمت گور، پیرو رشد پرستی سوق می دهد (همان: ۳/ ۳۶).

۳-۳. تأویل حسی معجزات

عده‌ای معجزه را قبول کرده اند ولی آن را تأویل نموده اند که این هم به گفته‌ی شهید مطهری در واقع انکار است اما انکاری محترمانه (مطهری، بی تا، ۵۶، مطهری، ۱۴۲۰، ۴۳۲)، این طرز فکر در عصر غزالی نیز طرفدارانی داشته تا آن جا که دست به توجیه معجزات نیز زده اند، غزالی اهتمام این گروه بر اصل علیت را نقل کرده، در ادامه توضیح می دهد که این تلقی در اثبات معجزه و خوارق عادات مشکل ایجاد می کند (غزالی، بی تا: ۳۳۵).

سید احمد خان سعی می کرد برخی گزارش‌های غیبی یا پدیده‌های غیر مادی را با تاویلات غیر مادی و بی اساس توجیه کند و طوری وانمود کند که دین و قرآن همان را می

گویند که علم گرایان درست اندیش باوردارند. وی برای اثبات نظریه ی خود به دلایلی نیز متمسک شده است مانند این که می گوید: ما در قرآن یک سلسله آیات داریم که مردم از پیغمبران همین کارهای خارق العاده را می خواستند و پیغمبران می گفتند: ما هم بشری هستیم مانند بشرهای دیگر، و امتناع می کردند، دیگر یک سلسله آیات دیگری است در خود قرآن که نظام خلقت را به عنوان «سنن الهی» می نامد و تصریح می کند که سنن الهی تغییر ناپذیر است. تقریباً ده آیه به این تعبیر داریم که از همه صریح تر این آیه است: «سنه الله... و لن تجد لسنة الله تبديلاً» (احزاب/۶۲) و در آیه ی دیگر: «فلن تجد لسنة الله تبديلاً و لن تجد لسنة الله تحويلاً» (فاطر/۴۳) «لن»، هم می گوید که برای نفی ابدی است، پس معجزه به معنی این که خرق عادت بشود، تبدیل سنت الهی است، تحویل سنت الهی است و نمی شود (سید احمد خان، ۱۳۳۲: ۳: ۳۴). همچنین هیچ حادثه ای خلاف قانون طبیعت انجام نمی گیرد، بنابراین اگر حادثه ای طبق قانون طبیعت (به ظاهر) انجام نگرفته باشد، معجزه نخواهد بود چون ممکن است طبق قانون طبیعت انجام نگرفته باشد که ما از آن قانون اطلاع نداریم، وقوع اتفاقی یک امر، بعد از دعای یک شخص بزرگ یا یک پیامبر نمی تواند معجزه باشد، چون وقوع آن امر طبق قانون طبیعت بوده و ربطی به دعای پیامبر ندارد و وقوع امر مذکور به طور اتفاقی همزمان شده اند (همان: ۳/ ۳۵).

۴. خلاصه ی دلایل سید احمد خان در انکار معجزه

نظریات و باورهای سید را در مورد انکار معجزه، می توان به این ترتیب خلاصه نمود:
الف) عدم تغییر و تبدیل در قانون طبیعت ضروری و لازم است چون خداوند در آیات متعددی که از نظام خلقت به عنوان سنن الهی نام می برد (سنه الله... و لن تجد لسنة الله تبديلاً) (احزاب/۶۲)، تصریح می کند که سنن الهی تغییر ناپذیرند و اگر خلاف این ثابت شود تکذیب بر خدا لازم می آید. از این رو هیچ حادثه ای بر خلاف قانون طبیعت انجام

نمی‌گیرد و اگر خلاف این ثابت شد دیگر معجزه نمی‌باشد زیرا ممکن است طبق قانون طبیعت انجام گرفته باشد.

ب) برخی آیات نیز اشاره دارند به این که مردم از پیغمبران کارهای خارق‌العاده را می‌خواستند و پیغمبران می‌گفتند ما جز بشری نیستیم، ما هم بشری هستیم مانند بشرهای دیگر، و امتناع می‌کردند «قل انما ان بشر مثلکم یوحی الیّ ۴» (کهف/۱۱۰) سید احمد خان براساس این آیات می‌گوید: در قرآن مجید امری که بر خلاف قانون فطرت باشد وجود ندارد و مسأله معجزات نیز چنان که از قرآن استفاده می‌شود پیامبر(ص) هیچ‌گاه ادعای معجزه نکرده است. او مثل دیگران است و تفاوتی با دیگران ندارد که معجزه بیاورد. بنابراین با استناد به آیات قرآن که از قول پیامبر(ص) خطاب به مشرکان بیان شده است عملاً انجام هرگونه اعجاز و تحقق آن در عالم خارج مورد انکار قرار گرفته است.

ج) وقوع اتفاقی یک امر، بعد از دعای یک شخص بزرگ یا یک پیامبر نمی‌تواند معجزه باشد چون وقوع آن امر طبق قانون طبیعت بوده و ارتباطی به دعای پیامبر(ص) ندارد و وقوع امر مذکور به صورت تصادفی همزمان شده اند. مشرکین از پیامبر(ص) درخواست معجزه می‌کردند و پیامبر(ص) از آوردن معجزه خوداری میکرد از این رو معلوم میشود معجزه محال است و گرنه پیامبر(ص) درخواست آن‌ها را اجابت کرده و به خواسته‌ی آنان پاسخ مثبت می‌داد. از منظر سید احمد خان هندی اعتقاد به معجزات و کرامات پیامبران و بزرگان، ایمان به توحید به صفات را ناقص می‌کند زیرا این اعتقاد انسان را به سوی گور، پیر و مرشد پرستی سوق می‌دهد.

د) میان معجزه و ادعای نبوت ارتباطی وجود ندارد زیرا معجزه از ساحر نیز سر می‌زند.

ه) معجزه نمی‌تواند دلیل نبوت باشد زیرا معجزه از دو حالت خارج نیست: یا باید دلیل عقلی داشته باشد یا نقلی. وجود دلیلی شرعی امکان پذیر نیست زیرا تا زمانی که رسالت و

معجزات پیامبر(ص) ثابت نشود آن دلیل هم معنا ندارد و از لحاظ عقل هم امکان ندارد که گفته شود این نشانه ها مختص پیامبر(ص) است مگر این که بپذیریم معجزات امکان پذیر است و اموری که از پیامبر سرزده طبق قانون طبیعت نبوده است.

و) در قرآن مراد از آیات یا بینات معجزات نیست بلکه مراد از آن احکام یا آیه های قرآنی می باشد و هر جا آیه به معنای معجزه آمده حکایت از قول کفار بوده است که قرآن طبق عقیده آن ها سخن گفته است و از این که آیات با صفت بینات آمده معلوم می گردد که احکام قرآنی هستند که موصوف به صفت بینات می شوند نه معجزه زیرا معجزات موصوف به صفت بینات نمی شوند و آوردن صفت بینات برای آن تحصیل ماحصل است.

ز) او با دستاویز قرار دادن وجوه تشابه جسمی پیامبر(ص) با سایر انسان های معمولی، انجام معجزه را امری محال دانسته و یا این که به توجیه آن ها پرداخته است.

ح) از منظر سید احمد خان هیچ تفاوتی میان پیامبر و دیگر بشر نیست. سید، رابطه ی پیامبر و پیروانش را چون چوپان و گوسفندان می داند که هر دو متعلق به مقوله ی حیوانیت اند و برخورداری از عقل، چوپان را از گوسفندان متمایز می کند. آن هایی که عقل بالاتری دارند، رهبران و پیشوایان مردمند و همه ی آن ها بی هیچ تمایزی، قابل الهام و یا وحی روحانی اند. تفاوت میان پیامبران و نوابغ نیز، نه به خاطر تفویض پیامبری به آن هاست، بلکه موارد تفاوت میان ساحت هایی است که در آن ها کار و زندگی می کنند. (همان: ۱/ ۳۶-۳۴)

۵- آسیب شناسی و نقد دیدگاه های سید

دیدگاه ها و نظریات سید در برخی موارد شامل آسیب ها و ضعف هایی است بدین قرار:

۵-۱. آسیب های مبنایی

این آسیب ریشه در مبنای غلط یک مفسر دارد که در موارد زیادی قابل مشاهده است، به نظر می رسد سر سید، بر اساس نظریه ی خداشناسی که قائل به آن بود، به این آسیب مبتلا

شده، زیرا همان طور که بیان شد: وی دین را وجهی از طبیعت می‌داند و خداوند را صانع طبیعت و علت اولیه‌ی آن، نسبت خدا با عالم همچون نسبت ساعت ساز است با ساعت، همچنان که سازنده‌ی ساعت ضامن ساخت آن است، خداوند به عنوان صانع جهان نیز، چنین می‌باشد. براساس همین پیش فرض بود که وی در تفسیر آیات قرآن دچار تاویل‌های ناهنجار شده و اموری همچون: معجزه، نبوت، وحی و... را منکر شده است.

لازم به ذکر است که گروهی از محققین، دیدگاه‌های سید را برگرفته از اندیشه‌های غربی دانسته و معتقدند: وی کاملاً طبیعت‌گراست. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۹۰، رفیعی

محمدی، ۱۳۷۹: ۲: ۲۷، ندوی، ۱۴۰۰: ۸۹-۸۸، اسعدی، ۱۳۸۹: ۳۷۵-۳۷۳)

۵-۱. سید احمد خان و عقاید پروتستان‌ها (خود محوری):

چنین به نظر می‌رسد که سرسید با مسیحیان و مبلغان پروتستان پیوندهای نزدیک داشته است. در نگرش او به اقتدار دین و مسئله معجزه شباهت‌های روشنی میان افکار سرسید و عقاید پروتستان‌های رها از تعصب که پاسخگویی به مذهب انتقادگرای برتر آلمان و داروینیسیم را در انگلستان اواسط عصر ویکتوریا آغاز کردند وجود دارد. او امکان‌پذیری معجزه و مؤثر افتادن دعا را انکار می‌کرد و نمی‌توانست معجزه را که تخطی از قوانین طبیعت است، بپذیرد، زیرا به عقیده‌ی او قانون طبیعت وعده‌ی عملی خداست به این که فلان چیز چنین واقع می‌شود (شریف، ۱۳۷۰، ۴: ۲۰۹). و از آن جا که همه چیز نزد سید سید طبیعت است و از قوانین طبیعی تخلف امکان ندارد او دعا را بی‌تاثیر و عملی بیهوده می‌داند. سیداحمدخان با استدلالی از همین نوع مؤثر بودن دعا را آن گونه که معمولاً از آن اراده می‌شود انکار می‌کند. قوانین طبیعت تخلف‌ناپذیر است و هیچ چیز نمی‌تواند آن را تغییر دهد حتی خدا هم نمی‌تواند برخلاف آن‌ها عمل کند نعوذبالله به عقیده‌ی او فایده دعا را نمی‌توان با قبول و یا عدم قبول آن از طرف خدا ارزیابی کرد، زیرا قبول آن محال

است، بلکه فایده آن تسکین آلام و اضطراباتی است که ملازم بعضی حوادث ناگوار در زندگی انسان است (سید احمد خان، ۱۳۳۲، ۱: ۱۹۰). طبق آن چه سیرسید می گوید اگر خدا فقط صرفاً علت العلل است و نمی تواند فراتر از قوانین طبیعت و قانون مطلق درست و غلط عمل کند پس فقط اسماً خدا است، موجودی است عاری از شخصیت و هرگونه احساس و عاطفه نسبت به موجودات انسانی. به این ترتیب خدا از مرتبه ی الوهیت فروکشیده می شود و همه گونه زندگی دینی از بین می رود، همچنین نماز نشانه ی بیرنگی از پرستش سطحی موجودی می شود که آغوش هرگز برای اجابت دعاها گشوده نمی شود و گوشش هرگز استغاثه های گناهکار پشیمان را نمی شنود (همان: ۱/ ۱۹۳). اگر وضع بدین منوال باشد دیگر انسان به هنگام اضطراب نیازی به روی آوردن به خدا ندارد.

۵-۲. عدم تایید حوادث ناسازگار با قانون طبیعت در قرآن

در مورد انکار معجزه توسط سید مبنی بر عدم تایید حوادث خلاف قانون طبیعت در قرآن، می توان گفت: از یک نظر سیداحمدخان درست می گفت، زیرا قرآن موكداً و مكرراً درخواست مردم از پیامبر را که در تایید حقانیت خود معجزاتی نشان دهد، رد می کند و به همه این گونه پاسخ می دهد که «قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا»، (الإسراء: ۹۳) ولی از نظر دیگر اشتباه می کرد، زیرا قرآن پر است از اخبار معجزات پیامبران گذشته، لذا برای اثبات مدعای خود کوشش می کرد که این معجزات را با توسل به قوانین طبیعی تبیین کند، کوششی که شاید یگانه علت این معنی بود که چرا تفسیر او در میان مسلمانان شهرت و اعتبار شایسته ای به دست نیاورد (شریف، ۱۳۷۰: ۲۰۷).

۵-۳. خود باختگی مطلق در برابر علوم طبیعی

محمد الهی استاد دانشگاه ازهر در انتقاد روش سید در کتاب خود (الفکر الاسلامی الحدیث) چنین می نویسد: « نهضت سید احمد خان براساس خود باختگی مطلق در برابر

علوم طبیعی و تمدن غرب استوار است همچنان که در عصر ما گروهی از متفکران به اصطلاح روشنفکر در برابر پدیده‌ای به نام علم و مظاهر تمدن قائم بر آن فریفته شده‌اند، خودباختگی در برابر علوم طبیعی سر به بی اعتباری ارزش‌های وحی و ایده‌آلیستی که همه ادیان سماوی از جمله اسلام بر اساس آن پایه‌ریزی نشود و یا با حس انسان لمس نشود خواهد انجامید» (الهی، ۱۴۱۹: ۱۵).

۴-۵. تاویل بر مبنای نظر زنادقه

سید جمال‌الدین اسدآبادی در یکی از تبعیدهای خود در هند، با سخنان و مقالات سید احمد خان آشنا شد و با شامه‌ی تیز خود به دهری‌گری یا اصالت طبیعی بودن او پی برد و به قول بسیاری از صاحب‌نظران، رساله‌ی نیچریه‌را در رد او و هم‌فکرانش نوشت. «شنیدم که شخصی در حالت کبر سن و کثرت تجربیات و سیاحت ممالک فرنگ، پس از کد و جهد، به جهت اصلاح جامعه اسلامی تفسیری بر قرآن نوشته است... و گمان بردم که گمشده‌ی خود را یافته‌ام، ولی چون تفسیر به نظرم گذشت دیدم به هیچ وجه در راه یاد شده قدم نگذارده، تنها همت خود را بر آن گماشته که هر آیه‌ای که در آن ذکری از ملک، جن، روح‌الامین، وحی، جنت، نار و یا معجزه‌ای از معجزات انبیاء (ع) می‌رود، آن آیه را از ظاهر خود برآورده به تاویلات بارده زندیق‌های قرون گذشته تاویل نماید. فرق همین است که زنادقه‌ی سلف دانشمندانی بوده‌اند و این مفسر بسیار عوام است، لہذا نمی‌تواند اقوال ایشان را هم به خوبی فراگیرد... و عجیب‌تر آن است که این مفسر، رتبه مقدسه الهیه نبوت را تنزل داده، به پایه «رفارمر» فرود آورده و انبیاء (ع) را چون واشنگتن، ناپلئون، پالمستن، گاری بالدی، مستر گلاستن و موسیو گامبلتا گمان کرده است» (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

۵-۵. تاویلات ناهمگون معجزات پیامبران

ذهبی در گزارشی از تفسیر سید احمد خان، بدون این که نامی از آن ببرد، چنین می‌نویسد:

قرآن خود مفسر خویشتن است و به بیرون از خود نیازی ندارد، جز واقعیت هایی که قرآن با آن وفق می دهد و سنت الهی در کون در نظام حاکم بر جامعه، موید آن است. ذهبی می گوید: وی با این برداشت خودسرانه، خواسته است رابطه ی میان قرآن و سنت را که با دستور الهی باید همواره در کنار قرآن و بیانگر آن باشد، از هم بگسلاند. (ذهبی، ۱۳۹۶، ۲: ۵۲۳) «وانزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم و لعلهم یتفکرون» (نحل/۴۴). در این تفسیر، معجزات انبیاء کلا دستخوش تأویلات ناهمگون و غیر منطقی قرار گرفته و در نهایت پدیده ی اعجاز به معنی معروف انکار شده است...دعوت انبیاء را که قرین صدق و حقیقت است و خود بزرگترین جنبه ی اعجاز نبوت را تشکیل می دهد نیز انکار می کند. (معرفت، ۱۳۹۶، ۲: ۵۱۷)

۶. آسیب های مصداقی

برای روشن تر شدن موضوع در اینجا به چند نمونه تفسیری که نشان دهنده دیدگاه عقل گرایانه ی افراطی سید احمد خان هندی در تفسیر است اشاره می کنیم:

۶-۱. شکافته شدن دریا برای قوم بنی اسرائیل

سید احمد خان هندی در بیان معجزه ی حضرت موسی و شکافته شدن دریا برای قوم بنی اسرائیل می گوید: هیچ کدام از آیات دلالت بر شکافته شدن دریا ندارد و آن چه مفسران در تفسیر این آیات بیان داشته اند بر پایه ی اسرائیلیات شکل گرفته است. وی در ادامه به استدلالات زبان شناختی و دلالت الفاظ آیات مربوط به داستان حضرت موسی پرداخته است. اوشکافته شدن دریا را برای حضرت موسی به سبب جزر و مد می داند و چنین استدلال می کند که در آن زمان، آب دریای سرخ مثل امروز زیاد نبود و عبور موسی به هنگام جزرومد اتفاق افتاده است (صاحبی، و حسینی، بی تا، ۱۵۶). اما در نقد دیگاه سر سید می توان گفت: معجزه دلیل قاطع و حجت مسلم عقلی و گواه صدق رسالت انبیا است و

بیان برخی معجزات انبیای گذشته در قرآن تأکیدی بر این مطلب است. پس نمی‌توان معجزه را صرفاً یک فرایند طبیعی قلمداد کرد که بسان روابط علی و معلولی میان دیگر اشیا قابل تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و فقط به این چارچوب منحصر گردد، اگر معجزه امری طبیعی است، باید پرسید چرا دیگران از آوردن آن ناتوان و عاجز شده‌اند؟ چرا تاکنون کسی به این مبارزه طلبی پاسخی نداده است؟ و هزاران سوال دیگر..

۶-۲. شکافته شدن چشمه‌های دوازده گانه برای قوم بنی اسرائیل

سید در تفسیر آیه شصت سوره بقره که حضرت موسی به راهنمایی خداوند با زدن عصای خود بر یک تخته سنگ دوازده چشمه از آن جوشیدن می‌گیرد و قوم بنی اسرائیل از آن چشمه‌ها می‌نوشند منظور از «حجر» را در عبارت «إضرب بعصاک الحجر...» (بقره/۶۰، کوهستان دانسته است. به اعتقاد سید امکان ندارد دوازده چشمه از یک سنگ بجوشد. (سید احمد خان، ۱۳۳۲، ۱: ۱۸) او در تکمیل نظریه تفسیری خود می‌گوید: در موضعی که بنی اسرائیل از حضرت موسی آب خواستند، تپه‌هایی بوده است که خداوند نسبت به همان تپه‌ها به حضرت موسی می‌فرماید: «إضرب بعصاک الحجر»، یعنی، با عصای خود به زمین بزن و به کمک عصای خود بالای آن تپه‌ها برو. در آن حدود محلی بوده که تورات آن را «ایلم» نوشته است و دوازده چشمه در آن جا جاری بوده است. همان طور که در مناطق کوهستانی از زیر کوه‌ها و یا از میان صخره‌ها آب بیرون می‌آید. (سید احمد خان، ۱۳۳۲، ۱: ۲۰) و این همان است که خدا نسبت به آن فرموده است: «فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً» (بقره/۶۰) در این نمونه مشاهده می‌کنیم که مفسر با معیار عقلانی خود که جوشیدن دوازده چشمه از زیر یک سنگ را محال می‌داند به نفی معجزه و تحلیل به ظاهر خردپذیر آیه دست می‌زند و با استناد به متن تحریف شده ی دیگر کتب آسمانی، قرآن را تفسیر می‌کند. حال این پرسش رخ می‌نماید که چگونه مفسر، برخی مسلمانات را به دلیل اینکه بر پایه ی

اسرائیلیات و عقاید پیروان دیگر ادیان شکل گرفته و به دین اسلام راه یافته است به راحتی منکر می‌شود، ولی در توضیح نظریه ی خویش به متون تحریف شده‌ای همچون تورات استناد می‌کند؟ واضح است که این تناقض در راستای موافق ساختن و هم داستانی مفهوم آیات با دیدگاه‌های عقلانی مفسر صورت می‌پذیرد و تلاشی تکلف‌آمیز و غیرروشمند در تحلیل بیانات قرآن است. سرسید در باب شکافتن دریای سرخ که از نص صریح قرآن ثابت می‌شود معتقد است که: داستان موسی در قرآن مبنی بر این که او آب را با عصای خود شکافت و بدین وسیله از دریای سرخ گذشت به عبورکردن وی درهنگام فرونشستن آب اشاره دارد و از طرفی دیگر دریای سرخ در زمان موسی به اندازه زمان سید احمد خان عمیق نبوده است. این عقیده سرسید است (سید احمد خان، ۱۳۳۲، ۱: ۲۲).

اما آن چه از آیات قرآن بر می‌آید چیزی دیگر است. «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ» (الشعراء: ۶۳) و در سوره ی دخان می‌فرماید: «وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ» (الدخان: ۲۴) نکته ی قابل تامل اینجاست که اگر دریا خشک بوده «كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ» چگونه به وجود آورده و اگر عمیق نبود، فرعون و لشکرش کجا غرق شدند. تفسیری که مبنایش عقل و خرد باشد سرانجامش تحریف است.

اما آن چه که برخی آیات از جمله: «أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (الإسراء: ۹۳) نفی می‌کنند اشاره به معجزات اقتراحی است که گروهی بهانه جو مطرح می‌کردند نه قصد پذیرش حق را داشتند و نه بعد از انجام آن تسلیم حق می‌شدند، ولی معجزاتی که برای تحقیق حقیقت مطالبه می‌شد از سوی پیامبر انجام می‌گرفت و شواهد فراوانی بر این امر در تاریخ زندگی آن حضرت وجود دارد. سپس قرآن می‌فرماید مخالفان لجوج هنگامی که نشان و معجزاتی را بر صدق دعوت تو می‌بینند اعراض کرده، می‌گویند

این سحری مستمر است: « وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ » (القمر/۲) تعبیر به مستمر اشاره به این است که آن ها معجزات مکرری از پیامبر دیده بودند و آن ها همه را بر تداوم سحر حمل می کردند هرچند این تهمت بهانه ای بود برای نپذیرفتن حق.

۶-۳. پدر داشتن حضرت عیسی (ع)

سید احمد خان تولد عیسی را معجزه نمی داند چون معجزه در مقابل منکران نبوت آورده می شود؛ در حالی که مسیح در آن هنگام به نبوت نرسیده بود. پس چگونه می توان نام معجزه بر آن نهاد (همان: ۲ / ۲۱-۲۰). سید همچنین منکر تکلم حضرت عیسی در مهد بوده و معتقد است که: منظور از « مهد » گهواره نیست بلکه دوران کودکی است، چون هیچ نوزادی بنا بر قانون طبیعت و فطرت نمی تواند سخن بگوید... او شاید در دوازده سالگی این سخنان را بیان کرده است، زیرا در این سنین بود که عالم یهودی به مریم پرخاش کرد. (همان: ۲ / ۱۹۵-۱۹۴). همچنین او باردار شدن حضرت مریم را معجزه نمی شمارد، و مجسم شدن فرشته برای او را تخیل، رویا و خواب تلقی می کند. به نظر او تمامی یهود اعم از زن و مرد یقین داشتند که از میانشان یک نفر به عنوان مسیح پدید خواهد آمد که پادشاهی آنان را دیگر بار بر پا می کند، لذا هر یک از زنان و مردان یهود آرزو می کرد که شخصی که می آید، پسر وی باشد... در چنین مواقع و حالاتی دیدن این گونه خوابها یا شنیدن آوازهایی بدون اینکه گوینده ای باشد و یا به نظر آمدن شیء مجسمی در مخیله، از اموری است که به مقتضای فطرت انسانی وقوع می یابد (همان: ۲ / ۳۴). همچنین در داستان حضرت موسی (ع)، در سوره طه پس از درخواست هایی که موسی می کند: خداوند متعال در جواب می گوید: « قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى » (طه: ۳۶) با استناد به این آیات تصور سید احمدخان از خدا و نقش دعا به هیچ وجه با وجدان دینی تطبیق پیدا نمی کند. (همان:

۷. آسیب های روشی

مراد از این آسیب، آسیب هایی است که مفسران در روش خود به آن ها مبتلا شده اند مانند: عدم توجه به سیاق آیات، عدم توجه به استعمال واژه در قرآن، برخورد گزینشی با علم یا قرآن و زیاده گویی و پراکنده گویی که سید احمد خان از جمله مفسرانی است که در تفسیر خود به آن دچار شده است، زیرا وی از بین چهار منبع شرعی، فقط به قرآن آن هم با تفسیر به رأی تکیه می کرد وصحت و اعتبار اغلب احادیث را زیر سوال می برد (موثقی، بی تا، ۲۸۰، الهی بخش، ۱۴۲۱، ۱۰۶-۱۰۰، اسعدی، ۱۳۸۹، ۱: ۳۸۴). پس می توان گفت سید در روش تفسیری خویش انتخابی نادرست داشته که در نتیجه ی آن، قرآن کریم را تفسیری کاملاً طبیعی و مادی نموده است. بنابر دیدگاه او، قرآن براساس اصول فطرت و قانون طبیعت پایبند است و چیزی بر خلاف قوانین طبیعی یا فطری بیان نمی کند. (سید احمد خان، ۱۳۲۰، ۱: ۸۸)

۸. آسیب های غایی

مراد از آسیب های غایی، این است که مفسر در نتیجه ی اتخاذ مبنا و روش نادرست، در تفسیر آیات به نتیجه ای نادرست و اشتباه مبتلا می گردد، سید از جمله افرادی است که برای نخستین بار، پرچم تجدد گرایی افراطی در دین را در هند برافراشت. وی این ندا را سر داد که باید تحوّل همه جانبه در علم و دانش سنتی اسلامی صورت گیرد؛ به شکلی که با دستاوردها و رهیافت های نوین دانش غربی سازگار باشد و در یک فرآیند معین، به آشتی بین علم جدید و شریعت بینجامد (بزرگزاده، ۱۳۹۰: ۳۸). خود باختگی در برابر علوم طبیعی سر به بی اعتباری ارزش های روحی و ایده آلیستی که همه ادیان سماوی از جمله اسلام بر اساس آن پایه ریزی شده اند خواهد زد، در نتیجه به انکار هر چیزی که در طبیعت دیده نشود و یا با حس انسان لمس نشود خواهد انجامید (الهی/۱۴۱۹/ص ۱۵). در نتیجه ی همین مبانی و روش ها بود که سید برای توجیه و تحلیل معجزات انبیای الهی به عقل پناه

برده و با استمداد از نیروی خرد به شرح و توضیح و گاه انکار معجزات می‌پردازد. وی معجزات مافوق قدرت و خارق عادت را ناممکن می‌داند.

نتیجه

دیدگاه سید احمد خان هندی نشان می‌دهد که معجزه امری غیر ممکن و محال است، چرا که براساس نظریه ی ایشان عدم تغییر و تبدیل در قانون طبیعت ضروری و الزامی است و هیچ حادثه ای خلاف قوانین طبیعت رخ نمی‌دهد. سید با استناد با برخی آیات معتقد است: که پیامبران خود را مانند سایر بشر معرفی نموده اند و از آوردن معجزات امتناع می‌کردند؛ چنان چه سخن پیامبر(ص) را خطاب به مشرکان و در خواست آن‌ها به عنوان دلیل ذکر می‌کند. آسیب‌های مبنایی این نگرش، نظریه ی خداشناسی است که براساس آن دین را وجهی از طبیعت دانسته و خداوند را صانع و علت اولیه ی آن می‌داند، لذا به دنبال این نظریه دچار عقاید پروتستانی و خودمحوری بوده، حوادثی را که خلاف قانون طبیعت باشند تایید نمی‌کند، همچنین به صورت مطلق خود باخته ی غرب و علوم طبیعی بوده، در نتیجه معجزات پیامبران را تأویل می‌کند. این دیدگاه از لحاظ مصداقی به بیان و اظهاراتی براساس معیارهای عقلانی می‌پردازد.

دیدگاه سید احمد خان به لحاظ روشی دچار زیاده‌گویی، پراکنده‌گویی و برخورد گزینشی با علم یا قرآن بوده و قرآن را تفسیری کاملاً طبیعی و مادی نموده است که در نتیجه ی آن برای نخستین بار پرچم تجدد‌گرایی و نوسازی افراطی دین و شریعت را در هند برافراشته است.

منابع

- ۱- القرآن الکریم
- ۲- ابن سینا، حسین به عبدالله، **الاشارات و التنبیہات شرح الاشارات و التنبیہات**، خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ هـ ق.
- ۳- ابن منظور، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر: ۱۴۵هـ.
- ۴- اسدآبادی، سیدجمال الدین، **مجموعه رسائل و مقالات**، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات شروق، ۱۳۷۹هـ.
- ۵- اسعدی، محمد، و همکاران، **آسیب شناسی جریان های تفسیری**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، انتشارات اسوه: ۱۳۸۹.
- ۶- الخن، مصطفی سعید/مستو، محی الدین دیب، **العقیده الإسلامیة**، بیروت: دارابن کثیر، ۱۴۲۷هـ.
- ۷- الهی، محمد، **الفکر الإسلامی الحدیث**، قاره: دارالسلام، ۱۴۱۹هـ.
- ۸- الهی بخش، خادم، **القرآنیون و شبهاتهم حول السنه**، طائف: مکه الصدیق، ۱۴۲۱هـ.
- ۹- ایجی، عبدالرحمن بن احمد، **المواقف فی علم الکلام**، عالم الکتب، بیروت: بی تا.
- ۱۰- بزرگزاده، محمد انور، **جایگاه سنت و حجیت آن در اسلام**، مجله ندای اسلام، شماره ۴۶، صص ۳۸-۴۲، ۱۳۹۰هـ.
- ۱۱- بستانی، فؤاد افرام، **فرهنگ جدید عربی به فارسی**، مترجم: رضا معیار، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۲- تستری، قاضی، نورالله، **احقاق الحق**، تعلیق نجفی مرعشی، تهران: الاسلامیه، بی تا.
- ۱۳- جرجانی، علی بن محمد بن علی، **التعریفات**، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۸ق.
- ۱۴- حلی، انوار الملکوت، تهران: دانشگاه تهران، بی تا.
- ۱۵- راجب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، محقق: صفوان عدنان

داوودی، بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.

۱۶- رفیعی محمدی، ناصر، تفسیر علمی قرآن، تهران: فرهنگ گستر، ۱۳۷۹

۱۷- سید احمدخان هندی، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، ترجمه محمد تقی فخر داعی

گیلانی، تهران: شرکت تضامنی محمد حسن علمی و دیگران، ۱۳۳۲.

۱۸- سید مرتضی، جزء العلم، مندرج در تمهید الاصول شیخ طوسی، تهران: چاپ دانشگاه

تهران، بی تا.

۱۹- شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۲۰- شهرستانی، عبدالکریم، نه‌ایه الأقدام فی علم الکلام، معهد: مکتبه البمتنی. بی تا.

۲۱- صاحبی، محمد جواد محمد و حسینی، جمال الدین، طلابیه دار نهضت اتحاد و تقریب،

تهران: دانشگاه تهران، بی تا.

۲۲- صلابی، علی محمد محمد، ایمان بالرسول والرسالات، دمشق: دارین کثیر، ۱۴۳۲.

۲۳- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ بیروت: ۱۴۱۷.

۲۴- طوسی، نصیر الدین، کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، شرح از جمال الدین حلی. ترجمه و

شرح فارسی، ابو الحسن شعرانی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.

۲۵- -----، تمهید الاصول، چاپ تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۶- -----، تجرید الاعتقاد، چاپ تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۷- عبدالمنعم، جمال عبدالناصر، الکامل فی أصول الدین، مصر: دارالسلام، ۱۴۳۱.

۲۸- علوی مهر، حسین، روش ها و گرایش های تفسیری، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۱.

۲۹- غزالی، ابو حامد، محمد. تهافت الفلاسفه، ترجمه: علی اصغر حکمت، قاهره: دارالمعارف،

بی تا.

۳۰- غزالی، ابو حامد، القسطاس المستقیم، دمشق - بیروت: بی تا.

۳۱- قدردان قراملکی، محمد حسن، معجزه در قلمرو عقل و دین، قم: تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.

- ۳۲- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۶.
- ۳۳- _____، نبوت، قم: صدرا، ۱۳۷۳.
- ۳۴- معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۳۵- _____، تفسیر و مفسرون، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۰.
- ۳۶- موثقی، احمد، جنبش های اسلامی معاصر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، بی تا.
- ۳۷- میدانی، عبدالرحمن حسن حینکه، العقیدة الإسلامية وأسسها، دمشق: دارالقلم، ۱۴۳۰.
- ۳۸- ندوی، ابوالحسن، علی، مسلم ممالیک میں اسلامیت اور مغربیت کی کش مکش، کراچی: مجلس نشریات، ۱۹۸۱م.
- ۳۹- مطہری، مرتضی، مجموعہ آثار، قم: صدرا، ۱۴۲۰.

پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی